

گسترش «خط زرد» توسط اسرائیل، ناقوس جنگ را در غزه به صدا درآورد؛

حماس و تل آویو در لبه نبرد



رامین برتو

در حالی که بسیاری از بحران‌های خاورمیانه طی ماه‌های اخیر یا وارد فاز سکون نسبی شده‌اند یا همزمان با میدان نظامی به سمت مسیرهای سیاسی حرکت کرده‌اند، نوار غزه بار دیگر در حال تبدیل شدن به یکی از اصلی‌ترین کانون‌های تنش منطقه‌ای است. مجموعه‌ای از تحکرات میدانی اسرائیل، گسترش دامنه کنترل ارتش در غزه، افزایش فشار بر روند کمک‌رسانی انسانی، تشدید تهدیدات مقام‌های سیاسی و نظامی تل آویو و همچنین تحکرات پشت پرده دربارہ آینده‌اش پس، همگی نشان می‌دهد که احتمال بازگشت جنگ گسترده به غزه بیش از هر زمان دیگری افزایش یافته‌است.

اگرچه آتش‌بس اکتبر گذشته با هدف توقف جنگ، کاهش بحران انسانی و فراهم کردن مسیر ورود کمک‌های بشر دوستانه برقرار شد، اما گزارش‌های میدانی و اظهارات مقام‌های فلسطینی و حتی برخی منابع اسرائیلی نشان می‌دهد که این توافق عملاً با نقض‌های مکرر همراه بوده است. در

در همین حال، رسانه‌های اسرائیلی نیز از تکمیل طرح‌های عملیاتی ارتش برای حملات مجدد به غزه خبر می‌دهند. رادیو ارتش اسرائیل اعلام کرده که نیروهای اسرائیلی اکنون نزدیک به ۶۰ درصد نوار غزه را تحت کنترل دارند و آرایش جدید نیروها در جنوب لبنان و کرانه‌باختری نیز با هدف تمرکز بیشتر بر جبهه

واشنگتن کنسولگری خود در پشاور پاکستان را تعطیل می‌کند



وزارت خارجه آمریکا دیروز (چهارشنبه) از تعطیلی تدریجی کنسولگری خود در شهر پشاور پاکستان واقع در نزدیکی مسرز افغانستان خبر داد و هدف از این اقدام را تأمین امنیت دیپلمات‌ها و مدیریت کارآمدتر منابع عنوان کرد.
خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از اطلاعیه وزارت خارجه آمریکا گزارش داده که این کنسولگری که نزدیک‌ترین پایگاه دیپلماتیک آمریکا به مرز افغانستان به شمار می‌رود، برای همیشه بسته خواهد شد.
وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرده:دنبال این تعطیلی مسئولیت تعاملات دیپلماتیک با ایالت خیر پختونخواه به سفارت این کشور

رونمایی نخستین «راهبرد ضد فقر» در کمیسیون اروپا



چالش‌هایی هستند که ما می‌توانیم و باید آنها را برطرف کنیم. امروز ما راه حلی را برای پیشگیری و کاهش فقر ارائه می‌دهیم». این برنامه بر سه اولویت اصلی یعنی ترویج اشتغال‌های باکیفیت، تضمین دسترسی به خدمات ضروری و حمایت‌های درآمدی مناسب و تقویت اقدامات هماهنگ میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا و ذی‌نفعان مختلف معطوف است. این طرح در حالی عرضه می‌شود که هزینه‌های زندگی در سراسر اروپا رو به افزایش است و بحران مسکن عمیق‌تر شده‌است. بر اساس داده‌های کمیسیون اروپا، قیمت‌های مسکن از سال ۲۰۱۳ حدود ۶۰ درصد افزایش یافته‌و در حال حاضر حدود یک میلیون نفر در اتحادیه اروپایی خانمان هستند. با وجود گستره وسیع این راهبر، منتقدان سسوال کرده‌اند که آیا این طرح با منابع مالی جدید کافی پشتیبانی می‌شود یا خیر.

سال عملیات گسترده نظامی،مقام‌های سابق و فعلی اسرائیل اذعان کرده‌اند که حماس نه تنها نابود نشده بلکه همچنان توان سازماندهی و حفظ نیروی انسانی خود را دارد. اظهارات گادی آیزنکوت، رئیس پیشین ستاد ارتش اسرائیل مبنی بر باقی ماندن حدود ۳۵ هزار نفر از نیروهای حماس در غزه، نشانه‌ای مهم از شکست راهبرد نظامی تل آویو محسوب می‌شود. این مسئله برای کابینه بنیامین نتانیا‌هو به یک بحران حیثیتی تبدیل شده است. دولت راست‌گرای اسرائیل که از آغاز جنگ وعده «نابودی کامل حماس» را داده بود، اکنون با واقعیتی متفاوت مواجه شده که نشان می‌دهد حتی شدیدترین حملات نظامی نیز نتوانسته ساختار مقاومت فلسطین را از بین ببرد. به همین دلیل، بخشی از محافل امنیتی و سیاسی اسرائیل معتقدند که باید مر حله تازه‌ای از جنگ باشدت بیشتر آغاز شود.

دومین هدف اسرائیل، ایجاد تغییرات میدانی و جغرافیایی دائمی در غزه است. گسترش «خط زرد» و افزایش مناطق تحت کنترل ارتش اسرائیل رانمی‌توان صرفاً اقدامی امنیتی دانست. این روند در عمل به معنای کوچک‌تر شدن فضای قابل زیست برای فلسطینیان و سوق دادن جمعیت به مناطق محدودتر است و برخی تحلیلگران آن را نوعی «ههندسی جمعیتی» در غزه توصیف می‌کنند.

سومین عامل راباید در بحران‌های داخلی اسرائیل جست‌وجو کرد. نتانیا‌هو همچنان با فشارهای گسترده سیاسی و اجتماعی روبه‌رو است و ادامه وضعیت جنگی تا حد زیادی به بقای سیاسی او کمک می‌کند و از این منظر، تشدید بحران امنیتی در غزه می‌تواند بخشی از شکاف‌های داخلی اسرائیل را موقتاً تحت الشعاع قرار دهد و مخالفان کابینه را در موضع تدافعی قرار دهد.

غزه صورت گرفته است. همزمان مقام‌های نظامی اسرائیل معتقدند اکنون «فرصت مناسبی» برای وارد کردن ضرب نهایی به حماس فراهم شده‌است.

۳هدف اسرائیل از حمله مجدد به غزه

تحلیل رفتار اسرائیل نشان می‌دهد که تل آویو از چند زاویه به دنبال ازرگیری حملات گسترده به غزه است. نخستین هدف، بازسازی بازدارندگی امنیتی و ترمیم تصویر آسیب‌دیده ارتش اسرائیل پس از جنگ طولانی غزه است. با وجود بیش از دو روز می‌دهد تعداد کامیون‌های ورودی در بسیاری از روزه‌ها حتی به ۲۰۰ مورد هم نرسیده‌است.

اسرائیل از محدودسازی کمک‌های انسانی به عنوان ابزاری برای فشار سیاسی و امنیتی استفاده می‌کند. تل آویو معتقد است که کنترل شدید بر جریان کمک‌هایی توناند فشار اجتماعی بر حماس را افزایش دهد و این جنبش را وارد به پذیرش شروطی مانند خلع سلاح کند. به بیان دیگر، بحران انسانی برای اسرائیل صرفاً یک پیامد جنگ نیست، بلکه بخشی از ساز و کار اعمال فشار محسوب می‌شود. بایسن حال، این سیاست‌ها با واکنش‌های

بازگشت جنگ احتمالاً بحران انسانی در غزه را وارد مرحله‌ای بسیار خطرناک‌تر خواهد کرد، چرا که زیرساخت‌های غزه تا حد زیادی تخریب شده و محدودیت ورود کمک‌ها نیز ادامه دارد؛ بنابراین هر گونه عملیات گسترده جدید می‌تواند موج تازه‌ای از آوارگی، کمبود غذا و فروپاشی خدمات درمانی را به دنبال داشته باشد

بین‌المللی نیز روبه‌رو شده است. آلمان، اسپانیا و برخی دیگر از کشورهای اروپایی نسبت به وضعیت انسانی غزه هشدار داده‌اند و وزیر خارجه آلمان خواستار افزایش فوری کمک‌های انسانی و باز شدن گذرگاه‌ها شده و همزمان با الحاق بخش‌هایی از کرانه باختری مخالفت کرده است. با وجود این، تل آویو همچنان از حمایت سیاسی آمریکا برخوردار است و همین مسئله موجب شده فشارهای بین‌المللی تأثیر محدودی بر رفتار اسرائیل داشته باشد.

پاسخ حماس چه خواهد بود؟

نشانه‌های موجود حاکی از آن است که گروه‌های فلسطینی خود را برای سناریوی بازگشت جنگ آماده کرده‌اند. منابع نزدیک به حماس و جهاد اسلامی اعلام کرده‌اند که طرح‌های دفاعی جدیدی تدوین شده و سطح آماده‌باش نیروها افزایش یافته است. با این حال، این گروه‌ها تأکید دارند که قصد آغاز جنگ جدید را ندارند و صرفاً در صورت حمله اسرائیل واکنش نشان خواهند داد.

در صورت آغاز دوباره جنگ، به نظر می‌رسد حماس چند مسیر را به‌طور همزمان دنبال کند. نخست، تمرکز بر جنگ فرسایشی و دفاع نامتوازن خواهد بود. دوم، احتمال گسترش جغرافیای بحران. سوم اینکه بازگشت جنگ احتمالاً بحران انسانی در غزه را وارد مرحله‌ای بسیار خطرناک‌تر خواهد کرد، چرا که زیرساخت‌های غزه تا حد زیادی تخریب شده و محدودیت ورود کمک‌ها نیز ادامه دارد. بنابراین هر گونه عملیات گسترده جدید می‌تواند موج تازه‌ای از آوارگی، کمبود غذا و فروپاشی خدمات درمانی را به دنبال داشته باشد.

در مجموع، غزه اکنون در نقطه‌ای قرار گرفته که آتش‌بس موجود بیش از آنکه نشانه پایان جنگ باشد، به یک وقفه شکننده شباهت دارد.

به همین دلیل، اگر روند کنونی ادامه یابد و راه‌حل سیاسی مشخصی برای آینده غزه شکل نگیرد، احتمال بازگشت جنگ گسترده نه تنها دور از ذهن نیست، بلکه می‌تواند منطقه را وارد مرحله تازه‌ای از بی‌ثباتی و بحران کند.

جهان نما

گزارش العهداز وضعیت سیاسی بیروت:

«حاکمیت لبنان» و «دیپلماسی آمریکا» دوروی یک ادعای متناقض است

پایگاه خبری العهد لبنان در یادداشتی انتقادی به قلم «لیلی عماشا» با اشاره به سخنان «میشل عیسی»، سفیر آمریکا در بیروت وضعیت حاکمیت در لبنان را به گونه‌ای توصیف می‌کند که گفته‌او، حتی پس از گذشت بیش از ۲۴ ساعت از «نقض آشکار آن» توسط عیسی، هیچ واکنش قابل توجهی ثبت نشده است.

سفیر آمریکا در لبنان روز دوشنبه پس از دیداری که در شهر «بکرکی» با «مار بشاره پترس الراعی» اسقف مارونی‌های لبنان داشت، گفت: «اگر ژوزف عون، رئیس جمهور لبنان به واشنگتن برود و خواسته‌های لبنان را در حضور ترامپ به بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل مطرح می‌کند، به معنای امتیاز دهی یا زیان نیست، نتانیا‌هو هیولانیست، او یک مذاکره‌کننده در جه ۱۲ است.» عیسی در ادامه نیز مدعی شد: «اگر عون به آمریکا برود، خواسته‌های لبنان را که مهم‌ترین آنها حفظ و بازگشت هر وجب از خاک لبنان است، مطرح خواهد کرد، خواسته حزب‌الله این است که خاک لبنان به لبنان باز گردد، اسرائیل هم می‌گوید یک وجب از لبنان را نمی‌خواهد و به دنبال صلح است، اما حزب‌الله پس از آن دیگر وجود نداشته باشد و اگر هم هست، متحدی نداشته باشد.» وی با استفاده از تعبیر «مقیاس حاکمیت»، می‌گوید که این شاخص در لبنان نسبت به اقدامات آمریکا و نمایندگانش حساسیتی نشان نمی‌دهد و این وضعیت یا ناشی از «دستکاری» در این معیار است یا نتیجه عادی شدن چنین رخدادهایی در فضای سیاسی کشور.

به گفته این نویسنده، اظهارات سفیر آمریکا نه تنها متوجه افرادی است که از آن‌ها خواسته شده لبنان را ترک کنند، بلکه بیش از آن، مدعیان حاکمیت و دفاع از کرامت ملی را هدف قرار می‌دهد. نویسنده در این یادداشت به توصیف نتانیا‌هو در اظهارات میشل عیسی اشاره کرده و آن را نوعی کم‌اهمیت جلوه دادن شخصی می‌داند که در نگاه بسیاری، مسئول کشتار و تخریب در لبنان تلقی می‌شود.



در ادامه این تحلیل، تأکید می‌شود که بر اساس عرف دیپلماتیک، چنین اظهاراتی می‌تواند مصداق نقض حاکمیت تلقی شده و مستلزم واکنش‌هایی مانند احضار سفیر، تذکر رسمی یا حتی اعلام «عنصر نامطلوب» بودن باشد، اما شرایط داخلی لبنان و ترکیب سیاسی نهاد‌های مسئول، مانع از چنین اقداماتی شده است. این یادداشت همچنین به واکنش وزارت خارجه لبنان اشاره کرده و نوشته است که این نهاد، همانند برخی جریان‌های سیاسی، از پرداختن به این موضوع خودداری کرده است. در این زمینه، به نمونه‌هایی از گذشته نیز اشاره می‌شود؛ از جمله اظهارات «توماس باراک» فرستاده آمریکا در امور سوریه و لبنان که به گفته نویسنده، با توصیفی جنجالی از لبنانی‌ها همراه بوده و تلاش‌هایی برای تعدیل یا توجیه آن صورت گرفته است.

همچنین از «مورگان اور تگاس» دیگر فرستاده آمریکایی به لبنان به‌عنوان نمونه‌ای دیگر یاد می‌شود که به گفته این تحلیل، از تریبون رسمی لبنان از اقدامات اسرائیل علیه بخشی از لبنانی‌ها قدردانی کرده بود، بدون آنکه واکنش جدی داخلی در پی داشته باشد. در ادامه، نویسنده این موارد را در چارچوب «الگوی دیپلماسی آمریکایی» تحلیل کرده است و می‌گوید که این نوع دیپلماسی، پیش از این در اصول حرفه‌ای و پروتکل‌های شناخته‌شده استوار باشد، ابزاری برای اعمال قدرت و نفوذ سیاسی است.

در این چارچوب، به نقش دونالد ترامپ نیز اشاره شده و تیم و به‌عنوان مجموعه‌ای با ویژگی‌های مشابه توصیف شده است. در بخش دیگری از این یادداشت، مفهوم «حاکمیت» در لبنان مورد نقد قرار گرفته و به‌عنوان مفهومی شعاری و فاقد کارکرد واقعی توصیف شده است؛ مفهومی که به‌زعم نویسنده، در عمل با نوعی وابستگی و تبعیت از بازیگران خارجی همراه شده است.

وی همچنین جریان‌هایی را که خود را مدافع حاکمیت معرفی می‌کنند، به سکوت در برابر تحولات میدانی و حتی حمایت غیر مستقیم از برخی اقدامات متهم می‌کند. این تحلیل به واکنش افکار عمومی نیز پرداخته است و می‌نویسد که اظهارات سفیر آمریکا با نوعی تعجب و سپس موسی‌وحی از واکنش‌های انتقادی و طنزآمیز در میان لبنانی‌ها مواجه شده‌است. برخی کاربران این وضعیت را به «همه‌مانی» تشبیه کرده‌اند که میزبان را از خانه‌اش بیرون می‌کند، و برخی دیگر نیز به پیشینه و ویژگی‌های شخصی سفیر پرداخته‌اند. در همین راستا، یک سناریوی فرضی نیز مطرح شده است: اینکه اگر دیپلمات کشور دیگری، مثلاً ایران، چنین اظهاراتی را مطرح می‌کرد، واکنش داخلی در لبنان چگونه می‌بود. این وضعیت نشان از «دوگانگی در برخورد با حاکمیت» است.

نویسنده در ادامه تأکید می‌کند که اظهارات اخیر میشل عیسی، هرچند برای برخی غافلگیرکننده نبوده، اما بازتاب‌دهنده وضعیت‌ای است که در آن، مفهوم حاکمیت ملی با چالش‌های جدی مواجه است و نحوه مواجهه با این چالش‌ها، همچنان محل مناقشه در فضای سیاسی لبنان باقی مانده است. این تحولات در حالی رخ می‌دهد که لبنان در شرایطی پیچیده از نظر سیاسی و امنیتی قرار دارد و موضوع مداخله خارجی و استقلال تصمیم‌گیری ملی همچنان یکی از محورهای اصلی مناقشات داخلی به شمار می‌رود.

با ایلنا همراه شوید

خبرگزاری کار ایران «ایلنا»

خبر

لهستان خواستار افزایش بودجه دفاعی ناتو شد



خود، بزرگ‌ترین هزینه‌کننده نظامی ناتو است و قصد دارد در سال ۲۰۲۶، ۲٫۸ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف امور دفاعی کند. وی در کنفرانس ۲۴ روز دفاع در ورشو گفت: اروپا قادر به توسعه ظرفیت اقتصادی خود در مقیاسی غیر قابل تصور است، اما باید شفاف‌باشیم: این اولویت امروز است. وی گفت: هیچ دلیلی برای انتظار تا سال ۲۰۳۵ برای ۵ درصد وجود ندارد- باید تا سال ۲۰۳۰، عضو گزاری، لهستان، عضو شرقی ناتو که با روسیه و اوکراین هم‌مرز است، در مواجهه با‌عادی تهدید فزاینده مسکو، هزینه‌های نظامی خود را افزایش داده است. و رشد نسبت به اندازه اقتصاد

ولادیسلاو کوزنییاک-کامیش، وزیر دفاع لهستان روز گذشته (چهارشنبه) اعلام کرد که کشورهای عضو ائتلاف سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نیاز دارند به هدف این ائتلاف برای اختصاص ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی خود در زمینه دفاعی در ۵ سال آینده دست یابند. رونیترز نوشت: مقام لهستانی درباره خطر تأخیر در دستیابی به این هدف تا قبل از سال ۲۰۳۰ هشدار داد. به نوشته این خبرگزاری، لهستان، عضو شرقی ناتو ممکن است دیرتر از این موعد دیگر خیلی دیر شود. در اجلاس ورژن ۲۰۲۵، رهبران ناتو توافق کردند که تا سال ۲۰۳۵ میلادی ۵ درصد از

اوباما:

ارتش باید به قانون اساسی وفادار بماند، نه به رئیس‌جمهور آمریکا!



رئیس‌جمهور پیشین آمریکا در گفت‌وگویی با شبکه «سی‌بی‌اس» در پاسخ به سوالی در رابطه با قدرت‌های رئیس‌جمهور آمریکا چه قدرت‌هایی نباید داشته باشد، گفت: کاخ سفید نباید بتواند به دادستان کل دستور دهد که بر کسی را در رئیس‌جمهور می‌خواهد تحت پیگرد قرار دهد. رئیس‌جمهور پیشین آمریکا تصریح کرد: ایده اصلی این است که دادستان

رئیس‌جمهور پیشین آمریکا در گفت‌وگویی با شبکه «سی‌بی‌اس» در پاسخ به سوالی در رابطه با قدرت‌های رئیس‌جمهور آمریکا چه قدرت‌هایی نباید داشته باشد، گفت: کاخ سفید نباید بتواند به دادستان کل دستور دهد که بر کسی را در رئیس‌جمهور می‌خواهد تحت پیگرد قرار دهد. رئیس‌جمهور پیشین آمریکا تصریح کرد: ایده اصلی این است که دادستان